



• چهارشنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۷ • شماره ۱۰۴۳

حدیث روز

پیامبر اکرم(ص): غذا را با اشتها بخور و در حالی که هنوز اشتها داری، دست از غذا بکش.

ذکر روز چهارشنبه
صدمرتبه «یا حی یا قیوم»

در محضر بزرگان

راه های فرار از شیطان

آیت ... جوادی آملی می فرمایند:
«نقل شده است هنگامی که شیطان به خداوند گفت من از چهار طرف (جلو، پشت، راست و چپ) انسان را گرفتار و گمراه می کنم (من بر سر راه راست می نشینم و انسان ها را از جلو می رانم و از پشت تعقیب می کنم و از طرف راست و چپ گرفتارشان می سازم)، فرشتگان پرسیدند شیطان از چهار سمت بر انسان مسلط است، پس چگونه انسان نجات می یابد؟ خداوند فرمود: راه بالا و پایین باز است؛ راه بالا نیایش و راه پایین سجده و بر خاک افتادن است. بنابراین، کسی که دستی به سوی خدا بلند کند یا سری بر آستان او بساید، می تواند شیطان را طرد کند.»

حکایت

ماست مختار السلطنه

به «مختارالسلطنه» گفتند که ماست در تهران خیلی گران شده است. فرمان داد تا اززان کنند. پس از چندی، ناشناس به یکی از دکان های شهر سر زد و ماست خواست. ماست فروش که او را شناخته بود، پرسید: چه جور ماستی می خواهی؟ ماست خوب یا ماست «مختارالسلطنه»؟! وی شگفت زده از این دو گونه ماست پرسید. ماست فروش گفت: «ماست خوب همان است که از شیر می گیرند و بدون آب است و با بهای دلخواه می فروشیم. ماست «مختارالسلطنه» همین تغار دوغ است که در جلوی دکان می بینی که یک سوم آن ماست و دو سوم دیگر آن آب است و به بهایی که مختارالسلطنه گفته می فروشیم. تو از کدام می خواهی؟!»

سخن بزرگان

• خوشبختی و بدبختی ایام پیری، عصاره اعمال گذشته ماست. سنت بوو
• آدمی که پول ندارد مانند کمانی است که تیر ندارد.
• انسان را ناامنی به تفکر وا می دارد.
• گل همیشه زیباست ولی در فصل بهار زیباتر است.
• برگرفته از «درس و پند روزگار» نوشته رضا ازمین راد

بریده کتاب

انتظار و امید

در این دنیا نه خوشبختی هست و نه بدبختی. فقط قیاس یک حالت با حالتی دیگر است. تنها، کسی که حد اعلای بدبختی را شناخته باشد می تواند حد اعلای خوشبختی را نیز درک کند. باید انسان خواسته باشد بمیرد تا بداند زنده بودن چقدر خوب است. پس زندگی کنید و خوشبخت باشید. هرگز فراموش نکنید که همه شناخت انسان در دو کلمه خلاصه می شود: انتظار کشیدن و امیدوار بودن. برگرفته از «گنت مونت کریستو» اثر الکساندر دوما

اندکی صبر

دلنواز

هر ساز مند

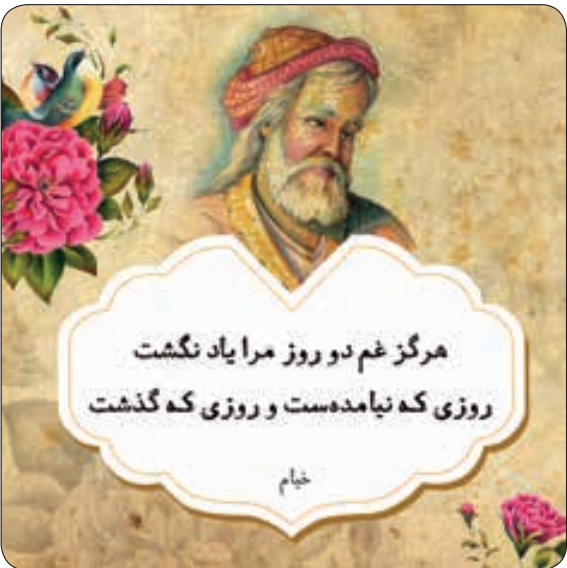
بر سنگفرش خسته خیابان
رفتگری تنها
دلش را می نوازد
آرام، آرام...

دنیا به روایت تصویر



گتی ایمیج | چیدن گل سرخ در مزرعه، چین

پند نیکان



دور دنیا

فیلمی با پنج پایان!



هایی است که با این فناوری بالا ساخته شده و سال ها برای ساخت آن، برنامه ریزی و تحقیق صورت گرفته است.

هنرمند ز رنگ



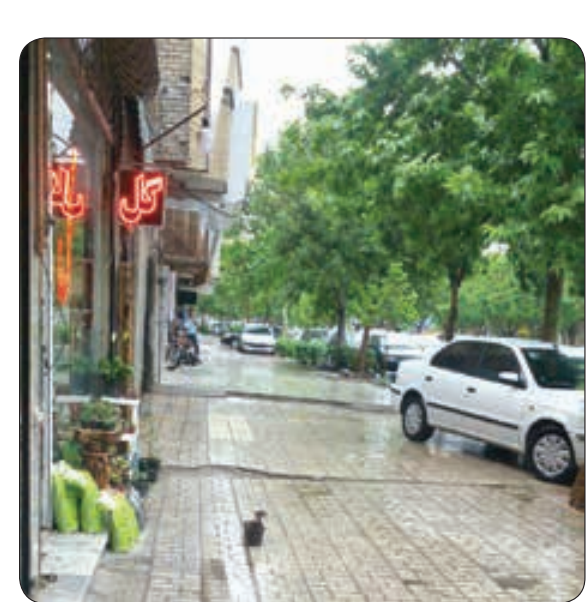
او پول بریزند. این هنرمند در مدت کوتاهی توانست هزار دلار از مردم دریافت کند!

استفاده از برگ درختان به جای پول



جای پول استفاده کند و هر روز برای خودش بیسکویت بخرد! او که حالا تبدیل به یکی از چهره های مشهور کشورش شده است، حسابی دل مغازه دارها را به دست آورده و با همان برگ های ریخته شده، برای خودش خوراکی می خرد.

زوم



وقتی گل ها برای باران خوردن از داخل مغازه بیرون می آیند! عکس: علیرضا کاردار



پی ای | ساخت یک مدل لگوی از مراسم عروسی شاهزاده انگلستان

تایخند



سید مهربانی، میوه شسته شده صلواتی برای کودکان زیر ۱۰ سال

• هر وقت به مامانم میگم بذار امروز من آشپزی کنم تا یاد بگیرم، میگه باشه تو سیب زمینی ها رو هم بزن!
• کتاب با زبون اصلی می خری یک میلیون تومان؟ با نصف این قیمت می تونی نویسنده رو استخدام کنی بیاد در گوشت کتابش رو بخونه!
• محوم رفتن این جور به که دو دقیقه خستگی رو از تن آدم بیرون میکنه، بعدش دو ساعت باید استراحت کنی تا خستگی خود محوم رفتن از تنت بیرون بره!
• یک بار تو تا کسی برای این که بغل دستیم اذیت نشه به شیشه چسبیده بودم. آخرش که اومدم حساب کنم راننده تا کسی گفت تو رو دیدم باد ماهی لجن خوارم افتادم که پارسال عید مرد، ازم کرایه نگرفت!
• داشتیم با موبایل حرف می زدیم رسیدم خونه، دست زدم به جیبم دیدم گوشیم نیست! طرف پشت خط قهقید حواسم پرت شده و به حرفاش گوش نمیدم، گفت حواست کجاست؟ گفتیم نمی دونم گوشیم رو کجا گذاشتم، طرف گفت لابد تو ماشین جا مونده!
• والا تمام این کارهایی که به دلیل انجام شدنش ما رو صبح زود بیدار می کنن، بعد از ظهر هم میشه انجام داد!

اعتراف می کنم



منتخب های چی شده

یک من کارت برای دو نفر!



معصومه سبحانی
وقتی ضرب المثل چه گلی به سر بگیرم امروزیش میشه چه گربه ای به سر کنم؟!
احسان اسعدی
وقتی مدل مواز دم اسبی به دم گربه ای همراه با تاکسیدرمی شده خود حیوان تغییر یافته!
صدیقه سیدی
وقتی نذاری طرفت گربه را دم حجله بکشه این بالا سرت میاد!

علی جوانشیری، گناباد
محمد رضا صدقیان
هادی بیرزاده
وقتی روزگار عوض میشه و مخمل روی سر مادر بزرگه سوار میشه و با مترو میرن دور دور. یادش به خیر اون روزها!
مهدی نفاقت
وقتی با هر ترفندی می خوای یکی جاش رو بهت بده و بشینی ولی همه خودشون رو به خواب می زنن!
مصطفی نادروردی
وقتی برای کیف و جیب هات تو مترو و اتوبوس دزدگیر پرورش میدی و اصلا حا چهارچشمی مواظبی!
مصطفی نادروردی
وقتی خیابون ها اون قدر شلوغنه که دیگه گربه هم واسه بیرون رفتن از وسایل نقلیه عمومی استفاده می کنه!
علیرضاولی زاده
وقتی می خوای بگی من و گربه ام یه نفریم و می خوای یه من کارت بزنی!

معصومه طهان
وقتی سوار مترو میشی و می خوای چهارچشمی حواست به همه جا باشه!

محمد عمرانی
اعظم خرم
وقتی به کسی رو میدی و میگی جات رو سرمه!
وقتی دلار قیمت چارپایان دست آموز رو هم برده بالا!



گاردین | جمع آوری جلبک دریایی توسط یک غواص محلی، تیمور شرقی

تفال

پند حکیم محض صواب است و عین خیر
حافظ وظیفه تو دعا گفتن است و بس
فرخنده آن کسی که به سمع رضا شنید
دربند آن مباحث که نشنید یا شنید

از اون لحاظ

استاد قلمتون سرویس

محمد امین فرشادمهر | طنز پرداز



شب امتحان استاتیک یا همان افتاتیک فرا رسیده بود. آن موقع ها هنوز مهندسی حرمت داشت و ما هم جوگیر و عاشق این که کسی مهندس صدایمان کند. به همین دلیل اصلا فکر نمی کردیم که شاید علاقه و استعدادمان در زمینه های دیگری باشد. به هر حال شب امتحان فرار رسیده بود. در طول دوره شش ماهه یک ترم نهایت خواسته ام از خودم این بود که چند جلسه سر کلاس حاضر شوم. یعنی وضعیت به شکلی شده بود که اگر تعداد حضورم در کلاس بیش از سه جلسه می شد، استاد درسم را حذف می کرد؛ در این حد به حضورم عادت نداشتند.

در فرجه ها با هزار گمانه زنی و دودوتا چهارتا کردن، به روزی دو ساعت مطالعه رسیده بودم. هرچند نود درصد آن دو ساعت را به شمردن تعداد صفحات باقی مانده از کتاب می گذراندم. ده درصد باقی مانده نیز به نگرانی درباره تمایل نداشتن پانداها به تولید مثل، و رفتن به پوست کنار ناخن هایم، شمردن گل های قالی و در آوردن صدا با دهانم اختصاص می یافت.

مشغول درس خواندن بودم. اصولا به همان اندازه که در طول ترم بد بودم، شب امتحان عالی ظاهر می شدم. یعنی از شب قبل تا خود امتحان پلک بر هم نمی زدم و با تمرکز می خواندم. غرق در مطالعه بودم که ناگهان برق قطع شد! بعد از یک ساعت که زانوی غم بغل کرده بودم، دوستانم با یک عدد شمع وارد اتاق شد و نور لرزانی به امید ما تاباند. رنگ زیبایی نور شمع و لرزش سایه ها بر دیوار و قاب پنجره که انگار استاد فرشچیان چین و شکنش را نقاشی کرده بود، علاقه درونی من را برونی کرده بود و از دنیای استاتیک به دنیای رمانتیک هنر و نویسندگی متمایل شده بودم. فقط دلم می خواست بنویسم.

به هر حال آن شب گذشت و بنده موفق شدم درس استاتیک را با موفقیت پاس کنم. البته چهار ترم بعد از آن قضیه! تصور کنید با آن فضای شاعرانه شب قبلیش، سر جلسه امتحان سوال از خراپا داده بودند! بنده هم در پاسخ نوشتم:

خوشا آن دم که درایم تو باشی
ملات آلوده خریایم تو باشی
اگر پیمان کاری بستم ام من
الهی کارفرمایم تو باشی

استاد هم در قسمت نمره بر که نوشته بود: زیبا بود، قلمتون مانا، بیست و پنج صدم تمام!

نشر اکاذیب

رایانه جور چینی



به تازگی شرکت «رایان گستر شرق و غرب کلوریدا» (Rgshghk) رایانه ای طراحی و روانه بازار کرده که به همراه سرعت و قدرت زیاد، ویژگی منحصر به فرد دیگری هم دارد. این رایانه همراه (لپ تاپ) طوری طراحی شده که می توان آن را از هم جدا کرد و سپس به صورت پازل دوباره به هم چسباند. به گفته مدیر عامل این شرکت در جلسه رونمایی از نسل جدید رایانه ها، این ویژگی برای موارد زیر کاربرد دارد: حل کردن مشکل کمبود جا، کاهش وزن و حمل راحت، برای پدر و مادرهایی که نمی خواهند فرزندان شان زیاد با رایانه کار کنند و همچنین برای همسرانی که با هم قهر هستند و هر کدام یک بخشی از آن را لازم دارند، برمی دارند و با آن کار می کنند.

ما و شما

داستانک، ترسانک، سوتی، شعر، طرح، عکس و هر ایده بامزه و جالب خود را به پیامک ۲۰۰۰۹۹۹ یا شماره ۱۸۳۷۴۱۸۴ در پیام رسان ایتا بفرستید.

• استاد شفیعی کدکنی اهل تربت حیدریه هستند نه نیشابور.
• کدکن متعلق به تربت حیدریه است، ولی در مطلب «سه شنبه ها با استاد» آن جا را از توابع نیشابور معرفی کردید!
ما و شما: بله حق باشماست. این روزها کدکن از توابع تربت حیدریه است. استاد ما به سخنان خود استاد شفیعی کدکنی بود که خود را نیشابوری می داندند و در همین زمینه کتاب «در کوچه باغ های نیشابور» را نیز به نگارش درآورده اند.
• پاسخ از مومن هوش غلط بود! میگه ۱۷ تا گاو چرون بودن و صاحب رستوران و خانمش روصلا حساب نکرده بود که بعد حذف کنه! ناصر قاسم زاده
• همسر مهرپون ملیحه جان، سالروز زمینی شدنت مبارک. همسرت محبتی

• آقای امیرحسین خوشحال: الان که باران نمی آید کشور این گونه دچار تنش آبی است، وای به حال آن روزی که جناب عالی می فرمایید: گر نیاید گاه باران بهتر است!

• لطفا در باره ماه مبارک رمضان مطلب چاپ کنید.
علی کشته گر، درگز
• به جای این که عکس پیرزن با گربه رو سرش نشون بدین و پیامک های آبیکی و خنک چاپ کنین به چیزی چاپ کنین و بنویسین که لااقل درد جامعه باشه. سر ماه مبارک همه چی رو گرون کردند. مردم بدبخت چه جور روزه بگیرن با این نداری و بی پولی؟

• کاش قدر این باران و نعمت خداوند را بدانیم و در بقیه روزهای سال آن را بیهوده و بی هدف هدر ندهیم.